

چگونه یک شغل انتخاب کنیم؟

یکی از مسائلی که همواره ذهن بشر را به خود مشغول کرده مسئله شغل و اشتغال است. تا پیش از به دنیا آمدن انسان هرگز مشخص نیست که وی چه کاره خواهد شد. دوران کودکی به سرعت طی می شود و شخصیت انسان شکل می گیرد. مشاهده لبخند رضایت افرادی که از شغل خوب و پردرآمد بهره مند هستند بسیار خوشایند است ولی باید پرسید که این افراد چگونه توانسته اند به مشاغل مورد علاقه خود دست یابند؟ معمولا بسیاری از افراد جامعه به درستی نمی دانند که به چه شغلی علاقه دارند. این درحالی است که این افراد احتمالا سال ها درگیر شغلی می شوند که خود نخواستند. در صورتی که فردی بخواهد شغلی را به تناسب توانایی های خود انتخاب کند باید نخست خود را بشناسد و به قابلیت های خود پی ببرد. سپس باید مشخص شود که به انجام چه مشاغلی علاقه مند است.

شناخت خود

خودشناسی سبب می شود که انسان به راحتی درگیر شغلی شود که تا پایان عمر و با علاقه آن را دنبال می کند. برای هر فردی، ارزش های شخصی از جمله مواردی هستند که حائز اهمیت اند. ارزش های شخصی برای ایجاد رابطه با دیگران از اهمیت زیادی برخوردارند و به زندگی ما جلوه ای تازه می بخشند.

ارزش های شخصی می تواند شامل موارد بسیاری از جمله؛ خانواده، پول، محیط زیست، استقلال، استفاده از فرصت ها و صداقت باشد. در صورتی که شغل ما با ارزش هایی که به آن احترام می گذاریم همخوانی داشته باشد، باید گفت که بیدار شدن صبح زود و رفتن به سر کار برایمان بسیار خوشایند خواهد بود.

اما از همه اینها مهمتر آن است که افراد جامعه اهداف شغلی خود را بسته به ارزش های اجتماعی خود تعیین کنند. در غیر اینصورت احتمال آن می رود که فرد در مواجهه با مشکلات موجود در محیط شغلی خود با مشکل روبه رو شود. بدین منظور هر فردی ابتدا می بایستی با خود صادق باشد و ارزش هایی را که برایش اهمیت دارند، مشخص کند. همین ارزش ها فرد را برای دستیابی به اهداف عالی تر هدایت می کنند، به او انگیزه کار می دهند، در تصمیم گیری ها به وی کمک می کنند و به ما حس اطمینان قلبی می دهند.

تهیه کردن فهرستی از نقاط ضعف و قوت نیز می تواند در رابطه با یافتن شغل مناسب سودمند باشد. مثلا افراد می توانند فهرستی از نقاط قوت خود نظیر قابلیت در کار گروهی، روابط عمومی قوی و مهارت های نگارشی تهیه کنند. نقاط ضعف نیز باید مشخص شوند، مثلا نداشتن تجربه در تایپ کامپیوتری، اینترنت یا

زبان انگلیسی. جست و جو در میان آگهی های شغلی نیز می تواند راه حل مناسبی باشد، زیرا افراد بهتر می توانند نیازهای شغلی مناسب خود را در این قبیل آگهی ها بیابند.

مشاغل موردنظر هریک از افراد جامعه نیازمند قابلیت ها و تجربیات ویژه خود است. در صورتی که هریک از افراد جامعه شغل مشخصی را مدنظر دارد باید نیازهای اطلاعاتی و تجربه های لازم برای آن شغل را در خود تقویت کند.

نخستین قدم به سوی پیروزی در میدان رقابت های شغلی می تواند تعیین هدف باشد. این امر به افراد جامعه کمک می کند تا به فعالیت های خود جهت بدهند. بدین منظور فرد باید به آینده نظر داشته باشد؛ اینکه چه مشاغلی دوست دارد، در چه مکان های حاضر به کار می شود، چقدر حقوق می خواهد و دوست دارد با چه تیپ و قیافه ای در محل کار حاضر شود. برای انجام چنین کاری می توان از قوه تخیل نیز بهره گرفت.

مثلا نوجوانی که در مواجهه با یک دکتر یا یک مهندس موفق به شغل این افراد علاقه مند می شود ابتدا باید بتواند در تصور، خود را جای چنین افرادی قرار دهد. این بزرگ اندیشی باعث ایجاد خلاقیت در افراد می شود. در صورتی که اهداف شغلی فرد و روش های دستیابی به این اهداف روی کاغذ نیابند و به دقت نگاشته نشوند این امر سبب خواهد شد که افراد به جای مشغول شدن به کار موردعلاقه خود بیشتر به جنبه های خیال پردازانه شغلی رو بیاورند. این موضوع می تواند آثار مخربی را در پی داشته باشد. بدین منظور باید گفت که افراد شاغل در خانواده می توانند بهترین راهنما برای نوجوانانی باشند که در آینده قصد انتخاب شغل جدید دارند.

هوشمندبودن

در رابطه با انتخاب و کسب شغل جدید یکی از نخستین مشخصه های فردی «هوشمندبودن» است. فهرست اهداف ما باید به دقت تنظیم شود و با صداقت تمام در آنها قید شود که در پی چه چیزی هستیم. سپس باید اقدامات مربوط به دستیابی به هدف طرح شوند. مثلا، اگر فردی بخواهد خبرنگار شود باید نخستین هدف وی آن باشد که در روزنامه های محلی شهر خود مطلبی جالب منتشر کند. افراد نباید اهداف خود را آنقدر پیچیده تعیین کنند که بعدا در دستیابی به آن دچار مشکل شوند.

با این وجود نباید ناامید شد زیرا همان گونه که بعضی از افراد جامعه قابلیت دستیابی به اهداف عالی را دارند در نتیجه بعید نخواهد بود که هریک از ما بتوانیم به این قبیل اهداف به ظاهر دور از دسترس و دست نیافتنی دست یابیم.

برنامه ریزی برای دستیابی به هدف

صرف نوشتن اهداف کافی نخواهد بود بلکه باید روشی برای دستیابی به اهداف خود تعیین کنیم. تصور کنید که همین حالا به هدف عالی خود دست یافته اید، سپس سعی کنید به گذشته بنگرید و ببینید که چگونه مراحل شغلی را طی کرده اید تا به منصب مورد علاقه خود دست یابید. مراحلی که برای رسیدن به شغل جدید طی کرده اید، چه بوده اند؟ این مراحل را باید یکی یکی نوشت و نحوه به انجام رساندن آن را مورد توجه قرار داد.

طرح دستیابی ما باید کاملا زنده و امکان پذیر باشد. برای این کار می توان یک تقویم خرید و تمامی اطلاعات مربوط به طرح را در آن یادداشت کرد. تاریخ این اطلاعات و اقدامات باید به نحوی تنظیم شوند که شما باور کنید که با خود قرار گذاشته اید که کار مهمی را به اجرا بگذارید. سپس می توانید افراد فامیل و آشنایان را از اهداف خود باخبر کنید.

بدین نحو خواهید توانست که حمایت اطرافیان را به خود جلب کنید. مطمئن باشید که والدین و خواهر و برادرهای بزرگ تر از هیچ کمکی به شما دریغ نخواهند کرد. در صورتی که مشکلی برای شما پیش بیاید به راحتی می توانید از مشورت و کمک فکری این عده بهره مند شوید. در صورت لزوم طرح خود را مورد بازنگری قرار دهید و اگر در آن مواردی وجود دارد که با واقعیات زندگی شما همخوانی ندارد آن را اصلاح کنید. حتی این احتمال نیز وجود دارد که بخواهید چیز تازه ای به طرح شغلی خود اضافه کنید.

اقدام کردن

همه کتاب های مشهور جهان با جمله ای کوتاه آغاز شده اند و همه آهنگ هایی که می شنویم با رنگ گرفتن و ضرب نواختن ساده شروع می شوند. در نتیجه نباید انتظار داشت که همه انتظارات ما یک شبه برآورد شوند، اما باید از نقطه ای مشخص کار خود را آغاز کنیم.

این آغاز هر پیامدی که داشته باشد هم برای شما و هم برای جامعه ای که در آن زندگی می کنید از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در صورتی که در آغاز شغل خود با مشکل روبه رو شدید و نتوانستید از عهده کاری بر بیایید نباید نگران شوید. این موضوع را همان گونه که هست بپذیرید. این امکان وجود دارد که فردی نتواند از عهده کار خاصی بر بیاید ولی این موضوع دلیل نمی شود که بگوییم این فرد از عهده انجام کارهای دیگر بر نمی آید.

در چنین حالتی باید از اتفاقات اطرافمان درس بگیریم و برای مواجه شدن با درگیری های بیشتر در زندگی عزم خود را جزم کنیم. در مواقعی که با عدم موفقیت روبه رو می شویم نباید خودخوری کنیم، زیرا حرص خوردن بیجا بیانگر آن است که عدالت را در مورد خود به کار نمی بندید. برای آنکه بتوانید بهتر اقدام کنید خودتان را مورد مطالعه دقیق قرار دهید. ببینید که تا چه اندازه به تمیز کردن خود و محل زندگیتان

اهمیت می دهید، چقدر با دیگران نشست و برخاست می کنید، چقدر مطالعه می کنید و چه مقدار از وقت شما صرف خیال پردازی می شود. این موضوع باعث می شود که نظارت شما بر کاهیتان بیشتر شود و زندگی خود را به چارچوبی جدید وارد کنید.

ارتباط با مردم

در جهان تجارت یکی از مهمترین موضوعاتی که حائز اهمیت است ارتباط و صحبت کردن با دیگران و فهمیدن قواعد مربوط به این ارتباط است. برای آنکه افراد بتوانند توانایی های ارتباطی خود را بهبود بخشند، آنان باید قابلیت های خود را برای ایجاد ارتباط تلفنی افزایش دهند. نخستین تماس های تلفنی مربوط به شغل افراد، باید در مکانی ساکت و به دور از مشاجرت دیگران انجام شود. در هنگام صحبت کردن نباید آدامس یا تنقلات بخوریم و بهتر است صریح سخن بگوییم.

اگر برای کسب شغلی جدید تماس گرفته ایم باید بتوانیم مهارت های خودمان را به فروش بگذاریم و با اعتماد به نفس حرف بزنیم. طرح مکالمه خود را باید بارها در ذهن خود مرور کنیم و آمادگی پاسخگویی به پرسش های کارفرما را داشته باشیم. احترام به دیگران در مکالمه باعث می شود که آنها نیز به ما احترام بگذارند و برای سخنان ما ارزش قائل شوند.

در حال حاضر چه باید کرد

یافتن شغل در بسیاری از کشورها با مشکل روبه رو بوده است و فقط به کشوری خاص در جهان محدود نمی شود، اما آنچه که میان کشورها باعث ایجاد تفاوت شغلی شده این است که در بعضی از کشورهای خاورمیانه ای با بحث شغل های کاذب و واسطه ای مواجه هستیم. این قبیل شغل ها باعث می شود که جوانان این قبیل کشورها از تجربه کاری در مشاغلی که نیاز به تخصص دارند، بی بهره بمانند و نتوانند در زمان رکود اقتصادی به حرفه مناسبی رو بیاورند.

هدف اصلی نوجوانان و جوانان از کارکردن عموماً تامین نیازهای آتی آنهاست که این امر می تواند با برنامه ریزی های صحیح تحقق یابد. در یک اقتصاد سالم می توان به راحتی این قبیل افراد را برای کسب مشاغل عالی تربیت کرد و برای آنان این امکان را فراهم کرد که بتوانند از فرصت های خود به خوبی بهره ببرند.

منبع: خانه کارآفرینان ایران